

دبیرستان علامه حلی تهران

نرم افزار تحلیلگر وزن شعر فارسی

استاد راهنما: دکتر بهرام پروین گنابادی

فراز فلاحی

سال ۸۸

این صفحه عدد (مغیر رقم) شماره (مست).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نرم افزار تحلیلگر وزن شعر فارسی

استاد راهنما: دکتر بهرام پروین گنابادی

فراز فلاحی

تقدیر و تشکر

اهل پژوهش به خوبی می دانند که کار پژوهشی منوط به همکاری است. در این جا لازم است از استاد ارجمند آقای دکتر بهرام پروین گنابادی که بر این بنده بسی حقوق معنوی دارند و در تمامی مراحل کار مرا با راهنمایی های ارزشمند خود یاری کردند و همچنین چنانکه رسم است تقاضا کردم که دیباچه و مقدمه ای بر این مجموعه بنویسند و عیب ها و ضعف های آن را با راهنمایی های پر ارزش خودشان اصلاح فرمایند تشکر و قدر دانی کنم.

ادای شکر نعمت و حق محبت مادرم که بارانمایی من، به مآخذ متفاوت و مساعدت در جمع آوری مطالب به بنده منت نهادند فرض واجب است.

کار اینجانب خوب یا بد همین است و بس.

ای رستخیز ناگهان، وی رحمت بی منتها

ای آتش افروخته در بیشه ی اندیشه ها

(مولوی)

چکیده‌ی مطالب

موسیقی هنر بیان عواطف و احساسات به وسیله ی اصوات است و مهم ترین عامل آن را صدا و وزن ذکر نموده اند. همچنین صنعت ترکیب اصوات به لحنی خوش آیند که سبب لذت گوش و سامعه و انبساط و انقلاب روح گردد. ارسطو موسیقی را از شعب علم ریاضی می دانست و ابوعلی سینا نیز در بخش ریاضی کتاب شفا موسیقی را ذکر نموده است.

شعر از اصوات گفتاری تشکیل شده است و وزن شعر عبارت است از: نظمی که در اصوات گفتار وجود دارد. وزن شعر فارسی بر مبنای کمیت هجا ها یعنی نظم میان هجاهای کوتاه و بلند است که تکرار منظم هجا های کوتاه و بلند در مکان های معین ایجاد وزن می کند و تناسب ویژه ای میان هجاها می آفریند.

عروض علمی است که قواعد تعیین اوزان شعر (تقطیع) و طبقه بندی اوزان را از جنبه ی نظری و عملی به دست می دهد.

حروف یا صامت هستند یا مصوت که توضیح آن خواهد آمد. موسیقی خاص این حروف و وزن ایجاد شده همه کس را به وجد می آورد و ذهن، کلام شعر را آسان تر درک می کند. از نظم خاص میان هجاهای کوتاه و بلند و وزن ایجاد شده موسیقی ویژه ای به ذهن متبادر می شود و بحر های متفاوتی را می سازد. در این پژوهش پس از نگاهی گذرا به وزن شعر و قوانین خاص عروض برنامه ی کامپیوتری و نرم افزاری طراحی گردیده است که کاربر به کمک آن ها هر بیت و یا مصرعی را که خواستار آگاهی از وزن و ریتم و بحر عروضی آن بود به راحتی بتواند به آن دست پیدا کند.

بانگ گردش های چرخ است این که خلق
می نوازندش به طنبور و به حلق
ما همه اجزای عالم بوده ایم
در بهشت آن لحن ها بشنوده ایم
(مولوی)

پیشگفتار

چرا آواز می خوانیم؟ چرا موسیقی می نوازیم؟ سوال بسیار شگفت انگیزی است.
"وقتی خوشحال هستیم شادی و سرور می خواهد از درون وجودمان فوران کند، آواز شادی سر می-
دهیم. هنگامی که در بحر اندیشه فرو رفته ایم یک ملودی آرام به مغز ما خطور می کند. هنگام مهر
ورزی، غم هجران و غم عشق بر وجود ما یورش می آورد. هیچ چیز نمی تواند به اندازه ی موسیقی این
غم و درد هجران را بیان کند."

حال این موسیقی دلنشین موجود در طبیعت و پدیده های الهی جهان خلقت باشد و یا موسیقی
ساخته ی دست و فکر انسان اشرف مخلوقات.

"انسان ها از دوران بسیار کهن با موسیقی آشنا بوده اند حتی هنگام شکار حیوانات و هنگام شخم
زدن زمین آواز های هماهنگ سر می دادند و یا هنگامی که عازم جنگ با دشمن بودند سرود های
جنگی می خواندند. رقص ها و آوازاها با دست زدن و یا برخورد دو تکه سنگ همراه بود. بعداً انسان
کشف کرد که اشیایی که او را احاطه کرده اند مانند تنه ی خالی درخت و یا زه کمان پس از کشیده
شدن صدا های مختلفی از خود خارج می سازد."

"هیچ ملتی را نمی شناسم که از موسیقی بی بهره باشد. پس باید بپذیریم که موسیقی پدیده ای در
فطرت آدمی است. عواملی که آدمی را به جستجوی موسیقی می کشانده است همان کشش هایی است
که او را وادار به گفتن شعر می کرده است و پیوند این دو سخت استوار است. زیرا شعر در حقیقت

موسیقی کلمه ها و لفظ هاست و غنا موسیقی الحان و آهنگ ها بیهوده نیست. جمع میان شعرو موسیقی جمع میان موسیقی الفاظ و موسیقی الحان است. می توان تصور کرد که در آغاز این دو جدا از یکدیگر رشد کرده و سپس به یکدیگر پیوسته اند. اما بهتر و درست تر این است که بگوییم در آغاز با هم بودند و سپس از یکدیگر جدا شدند."

طی سالیان سال مردم افکار و عقاید و احساسات و آرزو های خویش را با موسیق بیان کرده اند و هر جا موسیقی تولید شده، ابتدا با ریتم و ضرب شروع شده است که یکی از ارکان اصلی موسیقی به شمار می آید. از روزگاران گذشته این موسیقی با کلام همراه شده است.

"در ایران پیش از اسلام در زبان اوستایی قسمت هایی از کتاب اوستا (کتاب مقدس زرتشتیان) از قبیل "گاته ها" و "یشت ها" به صورت شعر است. اوزان این دو کتاب با یکدیگر متفاوت است. وجود شعر در فارسی میانه (زبان دوره ی اشکانی و ساسانی) نیز مسلم است. در "بندهشن"، "درخت آسوریک"، "جاماسب نامه"، "یادگار زریران" و غیره آثاری از شعر پهلوی به جا مانده است. حتی سروده های مانی نیز در دست است."

در این مقاله نگاهی داریم به وزن شعر فارسی و عروض و راه جویی برای دست یافتن راحت تر از طریق یاری جستن از علم و تکنولوژی روز دنیا و کامپیوتر تا از این طریق علاقه مندان با روشی بسیار آسان و دست یافتنی این وجه از زیبایی شعر فارسی را تشخیص دهند.

طرح مسأله

درس عروض و فن پی بردن به وزن شعر فارسی راه دشوار و پر پیچ و خمی است که تا به حال استادان بزرگی در این زمینه با گام های استوار سعی کرده اند این راه را بپیمایند و طرحی نو در اندازند و اصطلاحات پیشینیان را از تلخی و سختی به در آورند.

من با بهره گیری از روش این استادان گرامی به عنوان یک علاقه مند تلاش کردم با یاری گرفتن از فناوری دنیای امروز و ابزاری به نام کامپیوتر برنامه ای را طراحی کنم که بتوان دشواری هایی که در این زمینه وجود دارد را آسان تر کرد. برنامه ی کامپیوتری ای که قادر است صامت ها و مصوت ها و هجا های هر شعر را تشخیص داده آن ها را تفکیک کند. ارکان عروضی و وزن و بحر هر شعری را به ما باز نماید.

بس کن رها کن گفتگو، نی نظم گو نی نثرگو

کان حيله ساز حيله جو بدو كلامت می کند

شعر چیست؟

شعر در ادب فارسی کلامی موزون و خیال انگیز است و در عرف مردم کلام موزون و مقفی .

کلام چیست؟

الفاظی که از حروف تشکیل شده اند و بر حسب قرار داد بر معانی مقصود دلالت می کند.

حرف:

جزء بسیطی است که از ترکیب آن ها کلمات ساخته می شوند و حرف ها به مصوت و صامت تقسیم می شوند.

مصوت و صامت:

مصوت عبارت است از صوت آوایی که در ادای آن هوا با جریانی مداوم از گلو و دهان می گذرد بی آن که به مانعی برخورد کند بیرون می آید. کلیه ی حروف دیگر که دارای این صفات نیستند صامت شمرده می شوند و عبارتند از:

أ (ع)، ب، پ، ت (ط)، ج، چ، ح (ه)، خ، د، ذ (ظ، ز، ض)، ر، ژ، س (ث، ص)، ش، غ (ق)، ف، ک

گ، ل، م، ن، و، ی

مصوت ها بر دو گونه اند: مصوت کوتاه همان حرکات $\bar{\text{—}}$ هستند که در خط فارسی امروز نوشته نمی شوند.

مصوت های بلند صداهای (آ، او، ای) در کلماتی چون: بانو، نور، تیر

هجا چیست؟

واحد ملفوظی است که با یک دم زدن بی فاصله و قطع ادا می شود.
به عبارت دیگر هجا یا سیلاب یا بخش مجموعه ای از یک مصوت و یک یا دو یا سه صامت است که در یک دم و بازدم ادا می شود و تعداد هجا های هر کلمه مساوی با تعداد مصوت های آن است.

اقسام هجا

هجا بر سه قسم است:

۱- هجای کوتاه: از یک حرف صامت و یک حرف مصوت کوتاه تشکیل می شود. مانند نِـ (NE) در واژه ی "نگار"

۲- هجای بلند: از یک حرف صامت با یک مصوت بلند و یا از دو حرف صامت و یک حرف مصوت تشکیل می شود مانند "گل" و "دل" و یا مانند "پا" و "سی"
۳- هجای کشیده که خود بر دو قسم است:

الف) از یک مصوت کوتاه و سه حرف صامت مانند "بخت"
ب) از یک مصوت بلند و دو یا سه حرف صامت مانند "دام"، "سوخت"

نشانه گذاری برای هجاها

هجای کوتاه با یک نیم دایره یا علامتی شبیه حرف U نشان داده می شود.
هجای بلند با یک خط تیره نشان داده می شود. (-)
هجای کشیده را با یک خط تیره به اضافه نیم دایره نشان می دهیم (U-).

بیت و مصراع

بیت، شعر و یا نظم‌ی است مرکب از دو نیمه که در وزن برابر یکدیگرند و هر نیمه را یک مصراع گویند.

واحد وزن

در شعر فارسی مصراع است لذا وزن هر مصراع شعر نمودار وزن مصراع‌های دیگر است.

وزن شعر فارسی

نظمی است که در میان هجاهای تشکیل دهنده‌ی آن برقرار می‌شود و هجاها چه از جهت کمی و امتداد زمانی به صورت منظم در هر مصراع در مقابل هم قرار می‌گیرند. بنا بر این "وزن شعر فارسی مبتنی بر توالی خاصی از هجا‌های کوتاه و بلند در یک مصراع و تکرار عین آن در مصراع‌های دیگر است. بنا بر این وزن شعر فارسی مجموعه‌ای از هجا‌های کوتاه و بلند است که با نظم مشخصی پی در پی قرار گرفته باشد"

حرف و گفت و صوت را بر هم زنم

تا که بی این هر سه با تو دم زنم

(مولوی)

اهمیت وزن شعر

وزن شعر یکی از اولین عواملی است که شعر را اعتلا می بخشد و مایه ی رستاخیز کلمات در زبان می شود. شاعران ایرانی از امکانات وسیع تأثیر گذاری وزن در ارائه ی هر چه بهتر افکار خود بهره گرفته اند. به این ترتیب شعر به موسیقی بسیار نزدیک شده است. شاعر با توجه به موضوع و مفهوم شعر وزنی را برای کلام خود انتخاب می کند تا با موسیقی خاص و ویژه ی خود بتواند به بهترین وصفی منظور خود را که در ذهن دارد به خواننده انتقال دهد مثلاً برای یک مفهوم غم انگیز و اندوه بار وزنی تند و رقص آور و نشاط انگیز و یا برعکس آن را انتخاب نمی کند.

حافظ برای انتقال شادی خود در آمدن بهار و شکفته شدن گل ها از وزن مناسب استفاده کرده است:

خوش آمد گل وز آن خوش تر نباشد که در دستت به جز ساغر نباشد

مفاعیلن ، مفاعیلن، فعولن

و یا بیت :

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

فعلاتن ، فعلاتن ، فعلاتن ، فع لن

در غزلی از سعدی با مطلع زیر :

ای کاروان آهسته ران کارام جانم می رود وان دل که با خود داشتم با دلستانم می رود

با تکرار چهار بار "مستفعِلن" حرکات آرام کاروان شترها به ذهن خواننده منتقل می شود.

"برای اشعار حماسی و رزمی وزن فعولن، فعولن.... که متناسب حماسه و تفاخر است انتخاب می شود. مسائل میهنی و رزمی همه در این وزن سروده شده است"

| | |
|----------------------------|---------------------------|
| چو شد روز رستم بپوشید گبر | نگهبان تن کرد بر گبر ببر |
| کمان به زه را به بازو فکند | به بند کمر بر بزد تیر چند |

شک نیست انتخاب وزن باید مناسب با مضمون شعر باشد. اما شاعران گاهی در انتخاب وزن از لغزش مصون نمانده اند.

"حکمایی مانند ارسطو، ابن سینا و خواجه نصیر الدین طوسی تناسب وزن و مضمون را یاد آور شده اند. وقتی شعر از دل برآمده و با صمیمیتی همراه است وزن متناسب خود را یافته است."

عروض

یکی از اقسام علوم ادبی است (امروز در مطالعات زبان شناسی مربوط به فنولوژی و سبک شناسی کاربرد وسیعی یافته است) که موضوع آن بحث در وزن (=آهنگ) شعر است و در مورد چگونگی ایجاد وزن، انواع وزن، صحت و سقم آن و برخی از شگرد هایی که مخصوص کلام منظوم است بحث می کند.

واحد وزن

واحد وزن در شعر فارسی مصراع است. یعنی وزن هر مصراع نشان دهنده ی وزن مصراع های دیگر است. واحد وزن در شعر عرب بیت است.

قواعد تعیین وزن شعر

اول: درست خواندن و درست نوشتن

برای پیدا کردن وزن یک شعر نخست یک بیت آن را باید خیلی دقیق و روان و فصیح خواند و در خواندن، خط فارسی ما را دچار اشتباه نکند.

مصراع "طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی" این چنین خوانده می شود: طاعتان نیست که ...
۱- بنا براین همزه ی آغاز هجا که قبل از آن صامتی باشد اگر تلفظ نشود در خط عروضی حذف می-گردد.

۲- در خط عروضی حرکات (مصوت های کوتاه) گذاشته می شود.

ای چشم و چراغِ اهلِ بینش

۳- حروفی که به تلفظ در نمی آید در خط عروضی حذف می شود.

مثال: خواهر ← خاهر نامه ← نام

۴- مصوت دومین حرف هر هجا است مثل: ا، و، ی در کلمات: سار، کو، دید

بنا بر این در واژه ی نو و جو، "و" صامت است.

۵- حرف مشدد دو حرف نوشته می شود.

دره ← درره

دوم: تقطیع هجایی

تقطیع یعنی تجزیه‌ی شعر به هجاها و ارکان عروضی. مقصود از تقطیع هجایی مشخص کردن هجاهای شعر اعم از کوتاه، بلند و کشیده است.

۶- در تقطیع یک هجا "ن" بعد از مصوت بلند به حساب نمی آید. مثلاً:

مرنجان ← مَرَنجا

۷- برای هر یک از انواع هجا علامت خاص آن را قرار می دهیم. هجای کوتاه علامت (U)

هجای بلند (-)، هجای کشیده (U-)

سوم: اختیارات شاعری

شاعر درسروندن شعر اختیارات معدودی دارد که به ضرورت وزن از آن ها استفاده می کند.

البته این اختیارات خود تابع قواعد دقیقی است و آن بر دو گونه است: زبانی و وزنی

اختیارات زبانی: آن است که شاعر به ضرورت وزن (وقتی کلمه ای بیش از یک تلفظ دارد) می

تواند یکی از تلفظ ها را به کار ببرد که دوتنوع است:

۱- حذف همزه

اگر قبل از آن حرف صامتی باشد

مثلاً: درآب ← دراب

۲- تغییر کمیت مصوت ها

الف) کشیده تلفظ شدن مصوت کوتاه

شاعر به ضرورت وزن شعر مصوت کوتاه را بلند و یا مصوت بلند را کوتاه تلفظ می کند.

ز نیروی اسبان و زخم سران "م" در "زخم" بلند تلفظ می شود.
 بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایبان دارد "د" در "گرد" بلند تلفظ می شود.

(ب) کوتاه تلفظ شدن مصوت های بلند

در فارسی قبل از همزه ی آغاز هجا اگر مصوت "ی" و یا "و" بیاید همزه به "ی" تبدیل می شود.

روزی آن ← روزِ یان یا آهوای ← آهْ یی

و اگر مصوت بلند "ی + مصوت" در میان کلمه ی بسیط یا کلمه با پسوند و پیشوند و یا ضمیر متصل باشد مصوت "ی" همیشه کوتاه تلفظ می شود. مثلاً: زیاد(U--)، زیاد(U-U) تلفظ می شود.

روحانیون ← روحانیون

عامیانه ← عامیانه

بیاموز ← بیاموز

اختیارات وزنی

۱. آخرین هجای هر مصراع بلند است چه هجای کوتاه باشد یا کشیده .

سرو را مانی ولیکن سرورا گفتارنه
 ماه را مانی ولیکن ماه را گفتار نیست

هجای پایانی "نه" در مصراع اول و "نیست" در مصراع دوم هر دو بلند محسوب می شود.

۲. بعضی از اوزان با فعلاتن شروع می شود شاعر هجای اول آغاز مصراع را می تواند به هجای بلند

تبدیل کند. u u - - (فعلاتن) به - u - - (فاعلاتن) تبدیل می شود .

۳. شاعر می تواند به جای دو هجای کوتاه یک هجای بلند بیاورد این عمل بیشتر در دو هجای کوتاه

ماقبل آخر مصراع صورت می گیرد. uu - (فعلن) می شود - - (فع لن)

چهارم: تقطیع به / ارکان

پس از تقطیع هجایی و سنجیدن هریک از هجاهای مصراع اول با هجاهای معادلشان در مصراع دوم با در نظر گرفتن اختیارات شاعری می بینیم که علامت های هجاهای هر مصراع اغلب دارای نظمی هستند.

مرنجان دلم را که این مر غ وحشی

--u --u --u --u

اگر آنها را سه تا سه تا جدا کنیم می بینیم هر مصراع از تکرار چهاربار --u تشکیل شده است.

ارکان عروضی

همانطور که در صرف عربی، قوالبی برای کلمات اختراع کرده اند مثلاً می گویند "شاعر" بر وزن "فاعل" در عروض نیز برای کلمات (با مجموعه ی چند هجای کوتاه و بلند) قوالبی وضع کرده اند مثلاً می گویند: "می آیم" (- - -) بر وزن مفعولن.

بعد از تقطیع اشعار به هجاها با توجه به جدول ارکان، به جای هر چند هجا یک رکن قرار می دهیم به این عمل "رکن بندی" می گویند.

جدول ارکان مشهور

| یک هجایی | دو هجایی | سه هجایی | چهار هجایی | پنج هجایی |
|-----------|--------------|------------------|-------------------|---------------------|
| فَع - | فَعْل u - | فَعْلَن u u - | فاعلاتن u - - | مستفعلاتن - - u - - |
| فع لن - - | فاعِلن u - | فاعِلَت u - u | مفاعِلن u u - u - | |
| | فعولن u - - | فعلاتن u u - - | | |
| | مفعولن - - - | فعلاتُ u - u u | | |
| | مفعولُ u - - | مفاعیلن u - - - | | |
| | | مفاعیلُ u - - u | | |
| | | مفاعِلُن u - u - | | |
| | | مستفعلن - u - - | | |
| | | مستفعلُ u u - - | | |
| | | مفتعلن - u u - | | |

چنانکه ملاحظه می گردد در هیچ رکنی بیش از دو هجای کوتاه متوالی و سه هجای بلند متوالی قرار نگرفته است از این ارکان "فع" و "فَعْل" فقط در پایان مصراع می آیند. ارکانی که به هجای کوتاه ختم شده اند هیچ گاه در پایان مصراع قرار نمی گیرند (فقط در آغاز و میان مصراع می آیند) بقیه ی ارکان در آغاز و میان و پایان مصراع استفاده می شوند.

وزن

آهنگی که از توالی و ترکیب منظم و مخصوصی از هجاها به وجود می آید را وزن می گویند. واحد وزن یا حد اقل وزن رکن است ارکان به دو طریق زیر باهم جمع می شوند و وزن مصراع را به وجود می آورند:

متّفق (یا متّحد) الارکان: X X X X. مثل: مفاعیلن،مفاعیلن،مفاعیلن،مفاعیلن

متناوب الارکان: y x y x. مثل: فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن

نام اوزان

الف) نام برخی از اوزان ، حاصل از تکرار ارکان است:

۱- تکرار مفاعیلن: هزج

۲- تکرار فاعلاتن: رمل

۳- تکرار مستفعِلن: رجز

۴- تکرار فعولن: متقارب

۵- تکرار فعلاتن: رمل مخبون

۶- تکرار مفتعلن: رجز مطوی

۷- تکرار مفاعیلن: هزج مقبوض یا رجز مخبون

ب) نام بعضی از اوزان حاصل از تناوب ارکان است

۱- مفاعِلن فعلاتن: مجتث مخبون

۲- مفعول مفاعیلن(مستفعلٌ مفعولُن): هزج اخرب

۳- فعلاتٌ فاعلاتن: رمل مشکول

۴- مفعول فاعلاتن(مستفعل مفعولُن): مضارع اخرب

اگر شعری در یک بیت هشت یا شش یا چهار رکن داشته باشد به ترتیب: مثنی، مسدس و مربع است

بحرهای شعر فارسی

بحر در عروض هر وزنی است که از تکرار یکی از رکن های اصلی و یا ترکیب دو رکن اصلی و تکرار آن ها به تناوب حاصل می شود.

۱- بحر رمل از تکرار فاعلاتن ساخته می شود و انواع این بحر عبارتند از:

۱-۱ بحر رمل مثنی سالم: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

۲-۱ بحر رمل مثنی محذوف: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۳-۱ بحر رمل مثنی مقصور: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات

۴-۱ بحر رمل مثنی مخبون: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

۵-۱ بحر رمل مثنی مخبون محذوف: فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فَعْلُن

۶-۱ بحر رمل مثنی مخبون مقصور: فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلات

۷-۱ بحر رمل مثنی مخبون اصلم: فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فَع لُن

۸-۱ بحر رمل مثنی مخبون اصلم مسبغ: فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فَع لات

۹-۱ بحر رمل مثنی مشکول: فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن

همه ی وزن های بالا به جز وزن اخیر اگر رکن دوم آن را برداریم نام آن بحر رمل مسدس می شود.

(بحر رمل مسدس سالم- مسدس محذوف- مسدس مقصور- مسدس مخبون- مسدس مخبون

محذوف- مسدس مخبون مقصور- مسدس مخبون اصلم - مسدس مخبون اصلم مسبغ)

۲- بحر متقارب: از تکرار فعولن به دست می آید.

۱-۲ بحر متقارب مثنی سالم: فعولن فعولن فعولن فعولن

۲-۲ بحر متقارب مثنی محذوف: فعولن فعولن فعولن فعَل

۳-۲ بحر متقارب مثنی مقصور: فعولن فعولن فعولن فعول

۳- بحر هزج:

وزن اصلی این بحر از تکرار مفاعیلن حاصل می شود. انواع آن عبارتند از:

۱-۳ بحر هزج مثنی سالم: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۲-۳ بحر هزج مثنی مکفوف محذوف: مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ

۳-۳ بحر هزج مثنی اُخرب: مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن

۴-۳ بحر هزج مثنی اُخرب مکفوف محذوف: مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفعولُ

۵-۳ بحر هزج مثنی اُخرب مکفوف مقصور: مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیل

بحرهای مسدس هزج عبارتند از:

۱-۲-۳ بحر هزج مسدس سالم: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۲-۲-۳ بحر هزج مسدس محذوف: مفاعیلن مفاعیلن فعولن

۳-۲-۳ بحر هزج مسدس مقصور: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل

۴-۲-۳ بحر هزج مسدس اُخرب مقبوض سالم: مفعولُ مفاعِلن مفاعیلن

۵-۲-۳ بحر هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف: مفعولُ مفاعِلن فعولن

۶-۲-۳ بحر هزج مسدس اُخرب مقبوض مقصور: مفعولُ مفاعِلن مفاعیل

۴- بحر رجز از تکرار مستفعلن حاصل می شود و انواع آن:

۱-۴ بحر رجز مثنی سالم: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

۲-۴ بحر رجز مثنی مطوی مخبون: مفتعلن مفاعله مفتعلن مفاعله

۳-۴ بحر رجز مثنی مخبون: مفاعله مفاعله مفاعله مفاعله

۴-۴ بحر رجز مثنی مطوی: مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

۵-۴ بحر رجز مرقل از تکرار مستفعلاتن تشکیل شده است

۵- بحر مجتث از تکرار مستفعلن فاعلاتن به دست می آید

۱-۵ بحر مجتث مثنی سالم: مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن

۲-۵ بحر مجتث مربع سالم: مستفعلن فاعلاتن

۳-۵ بحر مجتث مثنی مخبون: مفاعله فعلاتن مفاعله فعلاتن

۴-۵ بحر مجتث مثنی مخبون محذوف: مفاعله فعلاتن مفاعله فعَلُن

۵-۵ بحر مجتث مثنی مخبون مقصور: مفاعله فعلاتن مفاعله فعَلان

۶-۵ بحر مجتث مثنی مخبون اصلم: مفاعله فعلاتن مفاعله فع لن

۷-۵ بحر مجتث مضمّن مخبون اصلم مسبّغ: مفاعله فعلاتن مفاعله فع لان

۶- بحر خفیف در اصل از فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن به صورت مزاحف ساخته می شود.

انواع آن عبارتند از:

۱-۶ بحر خفیف مسدس مخبون: فاعلاتن مفاعله فعلاتن

۲-۶ بحر خفیف مسدس مخبون محذوف: فاعلاتن مفاعله فعَلن

۳-۶ بحر خفیف مسدس مخبون مقصور: فاعلاتن مفاعله فعَلان

۴-۶ بحر خفیف مسدس مخبون اصلم: فاعلاتن مفاعِلن فع لن

۵-۶ بحر خفیف مسدس مخبون اصلم مسبّع: فاعلاتن مفاعِلن فع لان

۷- بحر مضارع از اصل از ارکان مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن به صورت مزاحف ساخته می‌شود.

وزن های شایع بحر مضارع عبارتند از:

۱-۷ بحر مضارع مثنیٰ اُخرب: مفعولُ فاعلاتن مفعولُ فاعلاتن

۲-۷ بحر مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف: مفعولُ فاعلاتن مفاعیلُ فاعِلُن

۳-۷ بحر مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف مقصور: مفعولُ فاعلاتن مفاعیلُ فاعلان

۸- بحر مقتضب از اصل مفعولاتُ مستفعلن مفعولاتُ مستفعلن به صورت مزاحف ساخته می شود و

دو وزن شایع دارد:

۱-۸ بحر مقتضب مثنیٰ مطوی: فاعلاتن مفتعلن فاعلاتن مفتعلن

۲-۸ بحر مقتضب مثنیٰ مطوی مقطوع: فاعلاتن مفعولن فاعلاتن مفعولن

۹- بحر سریع از اصل مستفعلن مستفعلن مستفعلن مفعولات به صورت مزاحف ساخته می شود و دو

وزن مشهور دارد:

۱-۹ بحر سریع مسدس مطوی موقوف: مفتعلن مفتعلن فاعلان

۲-۹ بحر سریع مسدس مطوی مکشوف: مفتعلن مفتعلن فاعلن

۱۰- بحر منسرح از اصل مستفعلن مفعولات^۱ مستفعلن مفعولات به صورت مزاحف ساخته می شود و چهار وزن مشهور دارد:

۱-۱۰ بحر منسرح مثنی مطوی موقوف: مفتعلن فاعلات مفتعلن فاعلات

۲-۱۰ بحر منسرح مثنی مطوی مکشوف: مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

۳-۱۰ بحر منسرح مثنی مطوی منحور: مفتعلن فاعلات^۲ مفتعلن فع

۴-۱۰ بحر منسرح مثنی مطوی مجدوع: مفتعلن فاعلات^۳ مفتعلن فاع

۱۱- بحر متدارک از تکرار چهار بار فاعلن حاصل می شود که بیشتر مورد توجه شاعران معاصر است و وزن های مشهور آن عبارتند از:

۱-۱۱ بحر متدارک مثنی سالم: فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن

۲-۱۱ بحر متدارک مثنی احد^۴: فاعلن فاعلن فاعلن فع

۳-۱۱ بحر متدارک مثنی احد^۵ مذال: فاعلن فاعلن فاعلن فاع

۱۲- بحر کامل از تکرار چهار بار متفاعلن به دست می آید و بیشتر مورد توجه شعر عرب است.

۱-۱۲ بحر کامل مثنی سالم: متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن

۲-۱۲ بحر کامل مربع: متفاعلن متفاعلن

۱۳- بحر وافر از تکرار سه یا چهار بار مفاعلتن حاصل می شود.

۱-۱۳ بحر وافر مثنی سالم: مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن

۲-۱۳ بحر وافر مسدس سالم: مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن

۱۴- بحر قریب از اصل از مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن ساخته می شود و انواع آن:

۱-۱۴ بحر قریب مسدس مکفوف مقصور: مفاعیل^۶ مفاعیل^۷ فاعلات

۲-۱۴ بحر قریب مسدس اخرب مکفوف سالم: مفعول^۸ مفاعیل^۹ فاعلاتن

۱۵- بحر مشاکل: از اصل از فاعلاتن مفاعیلن مفاعیلن ساخته می شود. معروف ترین وزن آن بحر مشاکل مسدّس مکفوف مقصور است وزن آن فاعلاتُ مفاعیلُ مفاعیل است.

۱۶- بحر غریب (جدید) مسدّس مخبون: فعلاتن فعلاتن مفاعلن

۱۷- بحر طویل مثنی سالم: فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن

۱۸- بحر مدید مثنی سالم: فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن

۱۹-۱ بحر بسیط مثنی مخبون: مستفعّلن فعْلُن مستفعّلن فعْلُن

۱۹-۲ بحر بسیط مثنی سالم: مستفعّلن فاعلن مستفعّلن فاعلن

۲۰-۱ بحر عمیق مثنی سالم: فاعلن فاعلاتن فاعلن مفعولن

۲۰-۲ بحر عمیق مثنی مشعث: فاعلن مفعولن فاعلن مفعولن

۲۱- بحر عریض مثنی مقبوض: مفاعلن فعولن مفاعلن فعولن

اوزان رباعی

رباعی شعری است مرکب از چهار مصراع که معمولاً مصراع سوم آن با مصراع های دیگر هم قافیه نیست و برای بیان عواطف و حالات درونی و پند و اندرز و افکار حکیمانه به کار می رود و اغلب عروضیان اوزان رباعی را از اوزان فرعی بحر هزج دانسته اند که در دو شجره ی اخرب و احزم در بیست و چهار وزن یاد کرده اند.

الف) دوازده وزن شجره ی اخرب

۱- بحر هزج مثنی اخرب مقبوض ابتر: مفعولُ مفاعلن مفاعیلن فع

۲- بحر هزج مثنی اخرب مقبوض ازل: مفعولُ مفاعلن مفاعیلن فاع

۳- بحر هزج مثنی اخرب مقبوض محبوب: مفعولُ مفاعلن مفاعیلن فعل

- ۴- بحر هزج مثنیٰ اُخرب مقبوض اهتم: مفعولٌ مفاعِلن مفاعیلُ فَعول
- ۵- بحر هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف ابتر: مفعولٌ مفاعیلُ مفاعیلن فَع
- ۶- بحر هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف ازل: مفعولٌ مفاعیلُ مفاعیلن فاع
- ۷- بحر هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محبوب: مفعولٌ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعْل
- ۸- بحر هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف اهتم: مفعولٌ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعول
- ۹- بحر هزج مثنیٰ اُخرب مخنق ابتر: مفعولٌ مفاعیلن مفعولن فَع
- ۱۰- بحر هزج مثنیٰ اُخرب مخنق ازل: مفعولٌ مفاعیلن مفعولن فاع
- ۱۱- بحر هزج مثنیٰ اُخرب محبوب: مفعولٌ مفاعیلن مفعولُ فَعْل
- ۱۲- بحر هزج مثنیٰ اُخرب اهتم: مفعولٌ مفاعیلن مفعولُ فَعول

(ب) دوازده وزن شجره ی احزم

- ۱- بحر هزج مثنیٰ احزم اشتر ابتر: مفعولن فاعِلن مفاعیلن فَع
- ۲- بحر هزج مثنیٰ احزم اشتر ازل: مفعولن فاعِلن مفاعیلن فاع
- ۳- بحر هزج مثنیٰ احزم اشتر مکفوف محبوب: مفعولن فاعِلن مفاعیلُ فَعْل
- ۴- بحر هزج مثنیٰ احزم اشتر مکفوف اهتم: مفعولن فاعِلن مفاعیلُ فَعول
- ۵- بحر هزج مثنیٰ احزم اُخرب ابتر: مفعولن مفعولُ مفاعیلن فَع
- ۶- بحر هزج مثنیٰ احزم اُخرب ازل: مفعولن مفعولُ مفاعیلن فاع
- ۷- بحر هزج مثنیٰ احزم اُخرب مکفوف محبوب: مفعولن مفعولُ مفاعیلُ فَعْل
- ۸- بحر هزج مثنیٰ احزم اُخرب مکفوف اهتم: مفعولن مفعولُ مفاعیلُ فَعول
- ۹- بحر هزج مثنیٰ احزم مخنق ابتر: مفعولن مفعولن مفعولن فَع
- ۱۰- بحر هزج مثنیٰ احزم مخنق ازل: مفعولن مفعولن مفعولن فاع

۱۱- بحر هزج مثنی‌ا حزم مخنق اءرب محبوب: مفعولن مفعولن مفعولن فعل

۱۲- بحر هزج مثنی‌ا حزم مخنق اءرب اهتم: مفعولن مفعولن مفعولن فعل

نام بحر ها و انواع آن با استفاده از كتاب عروض فارسی دكتر عباس ماهیار صفحات ۴۹ تا ۱۶۰ استفاده شده است.

به طور کلی اشعار فارسی در ۱۹ بحر سروده شده است كه هفت بحر آن متفق الاركان و دوازده بحر آن مختلف الاركان است. بحر های متفق الاركان عبارتند از:

۱- متقارب ۲- متدارك ۳- هزج ۴- رمل ۵- رجز ۶- كامل ۷- وافر

بحر های مختلف الاركان شامل :

۱- بحر مجتث ۲- مقتضب ۳- مضارع ۴- منسرح ۵- سریع ۶- خفیف

۷- قریب ۸- غریب ۹- مشاكل ۱۰- طویل ۱۱- مدید ۱۲- بسیط

بحر های متفرقه

۱. رمل مثنی مکفوف مسبع: فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فع
۲. بحر سریع مثنی مطوی مکشوف: مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
۳. بحر هزج مثنی اخرب مکفوف محبوب: مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فع
۴. بحر مضارع مسدس اخرب مکفوف: مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلن
۵. بحر رجز مثنی مرفل: مستفععلن مستفععلن مستفععلن فع
۶. بحر رجز مربع مرفل (متقارب مثنی اثلیم): مستفععلن فع مستفععلن فع
۷. فع لن فعولن فع لن فعولن: مستفعلاتن مستفعلاتن
۸. مضارع مثنی اخرب مکفوف مطموس: مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فع
۹. مضارع مسدس اخرب مکفوف محذوف: مفعولُ فاعلاتُ فع لن
۱۰. هزج مثنی اخرب مکفوف: مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلن
۱۱. هزج مسدس اخرب مکفوف: مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلن
۱۲. هزج مسدس اخرب مکفوف محذوف: مفعولُ مفاعیلُ فعولن
۱۳. متدارک مقطوع مخبون: مستفعْلُ فع مستفعْلُ فع
۱۴. قریب مسدس اخرب مکفوف محذوف: مستفعْلُ مستفعْلُ فع
۱۵. هزج مثنی مکفوف محذوف: مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن
۱۶. قریب مسدس مکفوف محذوف: مفاعیلُ مفاعیلُ فاعلُن
۱۷. رمل مثنی مجحوف: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع
۱۸. رجز مثنی مخبون مرفل: مفاعلن فع مفاعلن فع مفاعلن فع
۱۹. رمل مثنی مخبون مجحوف: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع
۲۰. خفیف مثنی مخبون: فعلاتن مفاعلن فعلاتن مفاعلن

نکاتی چند درباره ی آوا نگاری در این نرم افزار

آوانگاری، املائی است که با آن ، همه ی اصوات زبان را اعم از صامت و مصوت بتوان نشان داد. برای این منظور با اندک تغییری از الفبای لاتینی استفاده می شود. مثلاً "چگونگی" را چنین می نویسند:

"cegunegi"

پس این واژه در آوا نگاری دارای هشت واک است اما در خط فارسی تنها شش حرف آن در نوشتن ظاهر می شود. بنا بر این در آوا نگاری تلفظ ملاک است نه خط. مثلاً در کلمه ی "خواستن"، "و" را

که به تلفظ در نمی آید نمی نویسیم. "xAstan"

برخی از واج ها در فارسی چند شکل نوشتاری (حرف) دارند.

- حروف (س-ص-ث) شکل تلفظ مشترک دارند با واج س، s نشان داده می شوند.

- واج ش با S بزرگ نشان داده می شود.

- واج حروف (ح-ه) مشترک است و با h نمایش داده می شود.

- واج همزه با "ع" مشترک است و با علامت ؟ نمایش داده می شود.

- صدای (ت و ط) مشترک است و با t نمایش داده می شود.

- صدای حروف (ز-ذ-ظ-ض) نیز با Z نشان داده می شود.

از سویی دیگر برخی از حروف در فارسی نماینده ی واج های مختلف هستند.

- "الف" نماینده ی واج همزه در کلماتی چون اسب و همچنین نماینده ی واج مصوت بلند آ در

واژه ای چون نما است.

- حرف "ی" در برخی کلمات نشان واج صامت "ی" ("یا") است مثل واژه ی "ری" و در برخی

کلمات نماینده ی واج مصوت "ای" مثل واژه ی "سی" است.

- حرف "و" در برخی کلمات نماینده ی واج صامت "واو" است مانند واژه‌ی نوا در برخی کلمات نماینده ی مصوت کوتاه ُ مثل "خورشید" و در برخی واژه ها نماینده ی مصوت بلند "او" است مثل واژه ی "سوره" .
- "ه" در برخی کلمات نماینده ی واج صامت "ح" "h" است مثل کوه و در برخی واژه ها نماینده ی مصوت کوتاه ِ مثل واژه ی "روزه" .
- مصوت کوتاه َ به شکل "a" مصوت کوتاه ِ به شکل "e" و مصوت کوتاه ُ به شکل "o" آوا نگاری می شود.
- مصوت بلند آ به شکل A و مصوت بلند "ای" به شکل "i" و مصوت بلند "او" به شکل u آوا نگاری می شوند.
- در صورتی که e و o در پایان کلمات با توجه به اختیارات زبانی شاعر کشیده تلفظ شود به ترتیب به صورت E و O نمایش داده می شود.

قوانین تقطیع و اختیارات شاعری

نکاتی که من در ملاحظات برنامه رعایت کرده ام اگر هر یک از آن ها مراعات نشود به وزن صحیح دست نخواهیم یافت عبارتند از:

۱- هجای کوتاه در پایان مصراع بلند محسوب می شود مانند:

"بهشتی دید در قصری نشسته" ته در پایان هجای کوتاه تبدیل به بلند می شود.

۲- در پایانی مصراع شاعر یک یا دو صامت اضافه بر وزن می تواند بیاورد. در تقطیع به شمار نمی آید مانند: "ز عشق او که یاری بود چالاک" و "بنال بلبل اگر با مَنّت سر یاری است"، که "ک" و "ست" از تقطیع ساقط است.

۳- در کلماتی مانند خواست، گوشت و غیره هرگاه صامت آخر ساکن باشد همواره از تقطیع ساقط می شود مانند:

"گفت زن این گربه خورد این گوشت را گوشت دیگر خر اگر باشد هلا"

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن /-u-/ /--u-/ /--u-/

۴- صدای ترکیبی "ow" در آخر کلمات، اگر پیش از مصوت دیگر قرار گیرد به O و V تجزیه می شود و صامت V جزو هجای دوم قرار می گیرد.

"من ار چه حافظ شهرم جوی نمی ارزم" - - / - u - u / - - u u / - u - u

هجای بلند "ow" تبدیل به هجای کوتاه "jo" شده است. jo-vi

۵- همیشه نون ساکن بعد از مصوت بلند حذف می شود.

"با که گویم به جهان ، محرم کو؟" ن بعد از مصوت اِ در واژه ی جهان حذف می شود.

۶- در وزن دوری یعنی مصراعی که خود به دو نیم مصراع مستقل قابل تقسیم است یعن در وسط مصراع مکث می کنیم وسط مصراع حکم آخر مصراع را پیدا می کند یعنی شاعر می تواند در پایان

نیم مصراع یک یا دو صامت اضافه بر وزن بیاورد که در نظر گرفته نمی شود و یا هجای کوتاه در پایان

نیم مصراع تبدیل به بلند می شود. مانند:

"هر غزلم نامه ای است صورت حالی در او نامه نوشتن چه سود چون نرسد سوی دوست"

- u - / - u u - / - u - / - u u - مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

"ست" در "نامه‌ای است" و "د" در کلمه‌ی "سود" حذف می شود.

۷- شاعر مختار است به جای فعلاتن در رکن اول هر مصراع فاعلاتن بیاورد.

"یاد باد آن که ز ما وقت سفر یاد نکرد به وداعی دل غم دیده ی ما شاد نکرد"

فاعلاتن - u u / - - u u / - - u u / - - u -

فعلاتن - u u / - - u u / - - u u / - - u u

۸- "ی" "فتحه دار" یا "ی" که بعد از آن مصوت بلند آ که قبل از آن حرفی باشد که کسره داشته

باشد مثل "سیه" "گیاه" "بیا" "کشتی" "میان" همیشه در این گونه موارد حرف پیش از "ی" یک

هجای کوتاه محسوب می شود.

بیا (- u) سیه (- u) کشتی (u u -) راستی آموز (- - u u -)

به عبارت دیگر اگر مصوت ی + مصوت در میان کلمه ی ساده یا با پسوند و پیشوند آید مصوت "ی"

کوتاه تلفظ می شود. مثل: روحانیون (- u - -) عامیانه (u - u -)

کلمات مختوم به مصوت بلند "ی" و "و" مصوت بیاید مصوت "ی" و "و" کوتاه تلفظ می شود.

روزی آن سلطان تقوا می گذشت

- u - / - - u - / - - u -

آهویی (آهو+ ی نکره) به صورت آ هُ یی تلفظ می شود.

۹- مصوت کوتاه | (e) و — (o) در پایان واژه گاهی به ضرورت اشباع می شوند و تبدیل به مصوت بلند می شود.

ز دانش دل پیربرنا بود ← دِل به اندازه ی دِلِی حساب می شود. (u - - u - - u - -)

۱۰- نه که یک هجای کوتاه است گاه به ضرورت بلند تلفظ می شود. نه (-)

۱۱- صامت همزه معمولا حذف می شود

دانش آموز ← دانشاموز یا گفت اگر ← گفت تگر

تذکر: آن چه که مربوط به شیوه ی درست خواندن شعر می شود باید دقیقا رعایت شود.

یاد آوری مهم:

کاربر باید بیت و یا مصراع را به صورت آوا نگاری شده و با شکل صحیح خواندن آن وارد نماید زیرا وزن شعر علمی است که از راه گوش و شنیداری قابل درک است. برای آگاهی از شکل آوا نگاری به صفحه () مراجعه فرمایید.

برای دیدن حروف آوانگاری شده در برنامه روی "راهنمای حروف" کلیک کنید.

تذکر ۱: برای آشنایی بیشتر کاربران شماری از ابیات از قبل در برنامه به صورت آوانگاری شده وارد شده است که می توانید از آن ها استفاده نمایید. برای استفاده از این ابیات "نمونه ی شعرها" را کلیک نمایید.

تذکر ۲: کاربر می تواند روی دو مصراع متفاوت با وزن ها ی مختلف در نمونه ی شعر ها کلیک کند. برنامه قادر است همزمان وزن هر دو مصراع را به صورت کامل ارائه دهد.

هدف تحقیق

- ۱- جدا کردن و تقطیع شعر بر اساس هجا های کوتاه و بلند
- ۲- تشخیص واج های تشکیل دهنده ی هر هجا و مشخص نمودن صامت ها و مصوت ها (مصوت کوتاه و بلند با علائم اختصاری صامت C و مصوت V)
مثلا واژه ی روزگار از سه هجا تشکیل شده است

Ruzegar → Ru+ze+gar

- هجای اول (Ru) cv (یک صامت+ مصوت بلند) بنا براین هجای بلند است.
- هجای دوم (ze) cv (یک صامت+ مصوت بلند) پس هجای کوتاه است.
- هجای سوم (gar) cvc (یک صامت+ مصوت بلند+صامت) بنابر این هجای کشیده است.
- ۳- با توجه به انواع هجا ها علامت هر کدام را قرار دهد به این صورت که علامت (u) برای هجای کوتاه و علامت (-) برای هجای بلند و علامت (u-) برای هجای کشیده.
 - ۴- با توجه به ریتم بر اساس معیار (تن تن تن) آهنگ واژه ها و هجا ها را مشخص کند. مثلا همان واژه ی روزگار آهنگ (تن تن تن) را داراست.
 - ۵- هجا ها را بر اساس وزن عروضی تقسیم بندی می کند. وزن هایی چون فاعلاتن یا مستفعِلن و ... به عنوان مثال همان واژه ی روزگار (- u - u) وزن فاعلاتن را دارد.
 - ۶- با توجه به وزن تشخیص داده شده بحر مورد نظر را دقیقا بنویسد. مثلا تکرار فاعلاتن در شعری بحر رمل را می سازد یا تکرار فعولن بحر متقارب را.
 - ۷- زحافات هر بحری را در نظر گرفته و مشخص کند.

وسایل و امکانات مورد نیاز برای اجرای برنامه

۱- ویندوز XP (Microsoft Windows XP) یا ویستا

۲- نصب زبان فارسی

۳- انتخاب زبان فارسی به عنوان زبان پیش فرض نوشته های غیر unicode

۴- رزولوشن (resolution) صفحه ترجیحا ۱۰۲۴*۱۲۸۰ باشد.

البته با ۷۶۸*۱۰۲۴ نیز سازگار است.

۵- فونت تاهوما (Tahoma) که اکثرا در هر کامپیوتری وجود دارد.

برای نصب فارسی در ویندوز xp مراحل زیر را طی کنید:

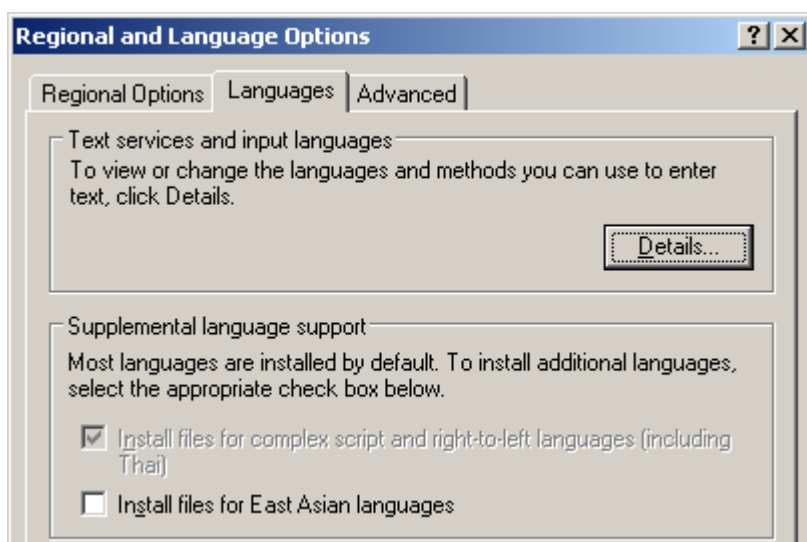


۱- وارد کنترل پنل می شوید.

۲- وارد regional and language options شوید.

۳- در tab ، language (tab دوم) اطمینان حاصل نمایید که تیک نصب زبان ها از راست به چپ

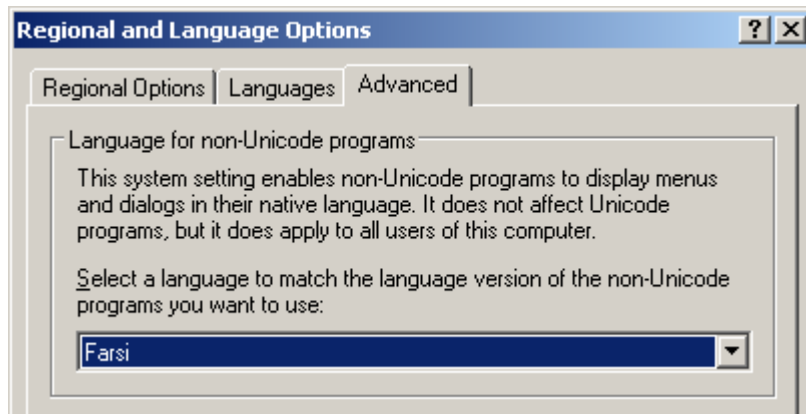
خورده باشد. اگر تیک ندارد آن را تیک دار کنید و apply را بزنید.



به سوال هایی که از شما می شود جواب داده و ادامه دهید.

(به CD نصب ویندوز احتیاج پیدا خواهید کرد)

۴- در tab, advanced (tab سوم) در بخش Select a lang... فارسی (farsi) را انتخاب کنید.

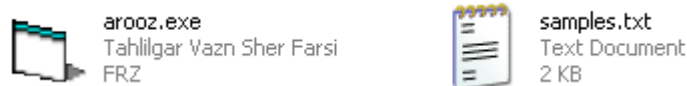


۵- هم اکنون می توانید برنامه را اجرا کنید.

۶- کد ورود برنامه ۱۳۲۱۲۲ است.

نمونه ای اجرا شده ی برنامه:

۱- روی فایل اجرایی برنامه کلیک کنید.



۲- کد اجرای برنامه ۱۳۲۱۲۲ است. آن را وارد کنید.



۳- شروع کنید.

۴- شعر خود را وارد کنید.

عروض - تحلیلگر وزن شعر فارسی (نسخه پنجم)

معرفی بخش

شما در این بخش باید یک یا دو مصراع از شعر خود را وارد کنید.

شعر

مصراع اول * :

مصراع دوم :

نکته: در بسیاری از موارد لزومی به وارد کردن مصراع دوم نیست.

برای پاک نمودن جعبه متن ها بر روی کلید مقابل کلیک کنید.

از نو

راهنما

برای دیدن لیست نمونه شعر های از پیش وارد شده بر روی کلید مقابل کلیک کنید :

نمونه شعرها

برای دیدن حروف آوانگاری استفاده شده در این برنامه روی کلید مقابل کلیک کنید:

راهنمای حروف

قبلی

بعدي

عروض - تحلیلگر وزن شعر فارسی (نسخه پنجم)

معرفی بخش
در این بخش شما می توانید هجا بندی و دیگر اطلاعات مصراع های خود را ببینید.

هجا بندی
مصراع اول : ?ey nA me to beh ta rin sa rA qAz
مصراع دوم : bi nA me to nA me key ko nam bAz

صامت یا مصوت
مصراع اول : cVc cV cv cv cVc cv cVc cv cV cVc
مصراع دوم : cV cV cv cv cV cv cVc cv cVc cVc

راهنما
برای ادامه کلید بعدی را کلیک کنید !

قبلی
بعدی

عروض - تحلیلگر وزن شعر فارسی (نسخه پنجم)

معرفی بخش

در این بخش شما اطلاعاتی پایه ای از وزن شعر بدست می آورید.

وزن به صورت علامات عروضی (U یا خط تیره)

مصرع اول : --UU-U-U--U

مصرع دوم : --UU-U-U--U

وزن به صورت نوشتار ت (کوتاه) یا تن (بلند)

مصرع اول : تن تن تتن تتن تن تن

مصرع دوم : تن تن تتن تتن تن تن

راهنما

برای ادامه کلید بعدی را کلیک کنید !

قبلی

بعدی

عروض - تحلیلگر وزن شعر فارسی (نسخه پنجم)

معرفی بخش

در این بخش شما وزن به صورت ارکان عروضی و بحر بیت را مشاهده می فرمایید.

وزن به صورت ارکان عروضی

مفعول مفاعیلن مفاعیل

maf?ulo mafA?elon mafA?il

مفعول مفاعیلن مفاعیل

maf?ulo mafA?elon mafA?il

مصراع اول :

مصراع دوم :

بحر

هزج مسدس اُخرَب مقبوض مقصور

هزج مسدس اُخرَب مقبوض مقصور

مصراع اول :

مصراع دوم :

قبلي

بعدي

عروض - تحلیلگر وزن شعر فارسی (نسخه پنجم)

معرفی بخش
نمایش بیت به همراه وزن به صورت خلاصه

مصرع اول
مصرع :
?ey nAme to behtar in sarAqAz
کوتاه و بلند :
--UU-U-U--U
ت یا تن :
تن تن تتن تتن تن تن
ریشه فعل :
مفعول مفاعله مفاعله
ماf?ulo mafA?elon mafA?il
بحر :
هزج مسدس اعراب مقبوض مقصور

راهنما
برای ادامه کلیک بعدی را کلیک کنید !

قبلی

بعدی

عروض - تحلیلگر وزن شعر فارسی (نسخه پنجم)

معرفی بخش
نمایش بیت به همراه وزن به صورت خلاصه

مصرع دوم
مصرع :
bi nAme to nAme key konam bAz
کوتاه و بلند :
- - U U - U - U - - U
ت یا تن :
تن تن تتن تن تن تن تن
ریشه فعل :
مفعول مفاعیل مفاعیل
maf?ulo mafA?elon mafA?il
بحر :
هزج مسدس ارب مقبوض مقصور

راهنما
برای ادامه کلید بعدی را کلیک کنید !

قبلی
بعدی

منابع و مأخذ

- ۱- شمیسا، سیروس، آشنایی با عروض و قافیه، نشر میترا، بهار ۱۳۸۶
- ۲- وحیدیان کامیار، تقی، وزن و قافیه ی شعر فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۶
- ۳- ماهیار، عباس، عروض فارسی، نشر قطره، ۱۳۸۶
- ۴- وحیدیان کامیار، تقی، عروض و قافیه، شرکت چاپ و نشر ایران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۲
- ۵- کولوسووا، مقدمه ای بر شناخت موسیقی، ترجمه ی علی اصغر چارلافی، شباهنگ، ۱۳۶۱
- ۶- نفری، بهرام، اطلاعات جامع موسیقی، انتشارات مارلیک، ۱۳۷۹
- ۷- شفیعی کدکنی، محمد رضا، موسیقی شعر، انتشارات آگاه، ۱۳۶۸